
محمد باقر فالی
نکاتی از شخصیت
اسلامی زن


بسم الله الرحمن الرحیم

نکاتی از شخصیت اسلامی زن

نویسنده:

محمد حسینی شیرازی

ناشر چاپی:

کانون نشر اندیشه‌های اسلامی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

نکاتی از شخصیت اسلامی زن

مشخصات کتاب

سرشناسه : حسینی شیرازی محمد، ۱۳۰۵ - ۱۳۸۰ عنوان و نام پدیدآور : نکاتی از شخصیت اسلامی زن/ محمد شیرازی؛ ترجمه محمد باقر فالی. مشخصات نشر : قم: کانون نشر اندیشه‌های اسلامی ۱۳. مشخصات ظاهری : ۶۴ ص.؛ ۱۲×۱۶/۵ س‌م. فروست : کانون نشر اندیشه‌های اسلامی ۸. شابک : ۳۵ ریال وضعیت فهرست نویسی : برون سپاری موضوع : زنان در اسلام موضوع : زنان در اسلام -- مسائل متفرقه شناسه افزوده : فالی محمدباقر، مترجم رده بندی کنگره : BP۲۳۰/۱۷۲/ح۵ن۸ ۱۳۰۰ی رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۸۳۱ شماره کتابشناسی ملی : ۲۳۱۷۳۰۴

مقدمه مترجم

امروزه، در علم حقوق، قانونی را مترقّی می دانند که اثر بهتری داشته، و بتواند جنایات را به حدّاقلّ ممکن برساند. به همین علّت، ما قوانین و مقرّرات مکتب مقدّس اسلام را با قوانین مکتبهای حقوقی جهان مورد مقایسه و بررسی قرار می دهیم، و از خواننده گرامی می خواهیم که بی طرفانه قضاوت کند، و پیش از اینکه اسلام را یک آئین آسمانی بداند، آنرا یک مکتب حقوقی کامل به شمار آورد، بطور مثال: قانون اسلام مقرّر می دارد که تحت شرایطی مجازات دزد بریدن چهار انگشت دست اوست، ولی قانون مکتبهای حقوقی دیگر اظهار می دارد که باید دزد را با زندان و تنبیه های دیگر کیفر داد. ما خیلی بی طرفانه نتیجه این دو قانون را مورد بررسی قرار می دهیم. در تواریخ اسلامی آمده که: (در ظرف ۲۰۰ سال در سراسر بلاد اسلامی(۱) فقط شش مرتبه حدّ دزدی اجرا شد، در صورتی که دولت آمریکا به تنهائی ـ که جمعیّتش هم به اندازه جمعیّت مسلمین آن زمان نیست . برای رهائی از خطر شش میلیون دزد، ۲۵ سال است که جهان را به یاری می طلبد)(۲). (به گزارش واحد مرکزی خبر در بن سرقت در ایتالیا نیز مانند دیگر کشورهای اروپائی رو به افزایش است، طبق گزارش اجلاس سالانه شرکتهای باربری ایتالیا تنها در سال گذشته تعداد (۶۰۰) لکوموتیو و اغلب با اشخاص حامل آن در این کشور به سرقت رفته است، خسارات حاصل از سرقت در این کشور بالغ بر دو میلیارد مارک تخمین زده شده است)(۳). حال خود شما قضاوت کنید کدام قانون مترقّی تر است، و بهتر می تواند از جنایات جلوگیری نماید؟ آیا قانون خدائی که انسان را آفریده و یا قانون انسانی که هنوز خودش را هم نشناخته؟! البتّه، مثال در این زمینه بسیار است. از جمله قوانین اسلامی، قانون حجاب برای زنان است، قبل از هر چیز باید تذکّر دهیم که اسلام، زن را زن می شناسد، و مرد را مرد، به این معنی که تساوی حقوق با عدالت در حقوق فرق دارد، مثلا در قانون ارث که مرد باید دو برابر زن ارث ببرد، عدالت مراعات شده، و یا اینکه در مسئله تعدّد زوجات عدالت مراعات شده، و همچنین در مسئله وجوب حجاب برای زن عدالت مراعات شده، زیرا در آفرینش و خلقتش با مرد مساوی نبوده، و از نظر طبیعی با او فرق دارد(۴). اصولا تکامل و حفظ شخصیّت حقوقی و حقیقی زن در پیاده کردن قوانین مکتب مقدّس اسلام است، اسلام می خواهد که زن، انسانی محترم، با شخصیّت و دارای نقش بسیار مهمّی در زندگی باشد از این رو، تربیت کودکان را که زیربنای اساسی جهت بنای جامعه است به وی سپرده، به خلاف مکتبهای دیگر که با استفاده از سنگر دروغین (آزادی زن) او را عروسکی بازیچه هوی و هوس خود قرار داده و کار را به جائی رسانده که حتّی در تبلیغات کالاها از بدن نیمه عریان زنان استفاده می کنند، و به عنوان آزادی، آنان را به فحشاء و منکرات می کشند، به طوری که (ژان پل سارتر ـ فیلسوف اگزیستانسیالیست ـ در سفری که به قاهره رفته بود اظهار داشت: به همسرم اجازه می دهم با هر که دوست داشت روابط جنسی برقرار کند، چنانکه او بخودم همین اجازه را می دهد، چه تمام ما برای لذّت بردن آفریده شده ایم، و هرگاه خواستیم باید به سرچشمه های آن دست یابیم)(۵). باز می بینیم روزنامه اطّلاعات تحت عنوان تظاهرات اعتراضی

و هزار زن آلمانی علیه بی بند و باری جنسی در آلمان چنین می نویسد: (به گزارش خبرنگار واحد مرکزی خبر در بن بیش از دو هزار تن از زنان آلمانی روز شنبه گذشته در مقابل دیوان عالی قضائی آلمان فدرال واقع در شهر کالزوه دست به تظاهرات اعتراض آمیز نسبت به عدم حمایت قانونی از نوامیس بانوان در جامعه آلمان زدند، دیوان عالی قضائی آلمان چندی پیش رأی دادگاه شهر وپرتال را دایر بر شش سال محکومیّت برای یک نقّاش ساختمان به جرم تجاوز به یک دختر کارآموز را مورد تجدید نظر قرار داده، و مرد متجاوز را آزاد کرد، زنان آلمانی در اعتراض به رأی دادگاه و رأی دیوان عالی قضائی آلمان و عدم حمایت قانونی کافی از نوامیس خود به هنگام عبور از جلوی ساختمان دیوان عالی قضائی با پرتاب تخم مرغ گندیده به این ساختمان و نوشتن شعارهائی نظیر ما از ناموس خود دفاع می کنیم به در و دیوار این ساختمان در مرکز شهر و چندین محلّ بدنام و مرکز نمایش فیلمهای زننده و کلوپ های شبانه حمله کرده، خواستار تعطیل این مراکز شدند)(۶). آیا می توان این طرز شهوترانی حیوانی را آزادی نامید، آزادی چه زیباست اگر به خود انسان و دیگران صدمه نزند، و از راه خود انحراف نیابد. و شما ای خواهر تا حدودی آزاد هستی که آزادی دیگران را پایمال نکنی، بی حجابی و بروز زیبائی و حرکات دلربای زن جامعه را منحرف و جوانان را به فحشاء می کشد، شاید فکر کنی که اگر جوانی شیفته ات شد، او هرزه و چشم چران است، امّا با اندکی تأمّل علّت چشم چرانی و هرزگی او را می یابی! عدّه ای می گویند: ما نمی توانیم تحت پوشش حجاب باشیم و این مردانند که باید چشم پاک و نجیب باشند، امّا باید حقیقت را پذیرفت که این خلاف طبیعت و سرشت آدمی است بخصوص در جوانان نورسیده ای که غرق در شهوات و غرائز سرکش بسر می برند، آری نمی توان گوشت گرم و تازه را مقابل گرسنه گذاشت و به آن گفت: نخور، و نمی توان پارچه آغشته به نفت و بنزین را مقابل آتش گذاشت و گفت: نسوز!! بیائید ای خواهران برای حفظ پیوندهای مقدّس اخلاقی و اجتماعی و کاستن از فحشاء و برای دور کردن نظرهای شهوت انگیز از خود، بدنتان را بپوشانید، آخر مگر شما عروسک دیگران هستید که خدای نکرده هر جوانی بخواهد از نگاه به سر و صورت و بدنتان لذّت ببرد؟! بیائید پیرو فکر، اندیشه، عقل و منطق از اسلام درس گرفته، و از حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام متابعت کنیم. ای زن به تو از فاطمه (ع) این گونه خطاب است ارزنده ترین زینت زن حفظ حجاب است خوشبختانه، تا کنون کتابهای متعدّدی پیرامون شخصیّت زن و مسئله حجاب نوشته شده که هرکدام جنبه هائی را مورد بحث و بررسی قرار داده است، از جمله این مختصری است که با بیانی شیوا و دلپذیر به گوشه هائی از همین مسئله پرداخته و این یکی از ویژگیهای حضرت آیت الله العظمی سید محمّد حسینی شیرازی است که در سطحهای مختلف کتابهای سودمند و نافعی نوشته و می نویسد، و این جزوه گرچه مختصر و به اصطلاح (ساندویچی) است، امّا با سبک سلیس و جذّاب و با شواهد، آمار، مثال، و داستانهای آموزنده ای که دارد غنی می باشد، بطوری که شنونده را بر التزام به امور و تعالیم تربیتی و دینی ترغیب می نماید.در این جزوه، دلایل قانع کننده پیرامون حجاب آمده، به طوری که به شبهات و اشکالاتی که استعمار فرهنگی در اذهان جوانان مسلمان پدید آورده پاسخ کافی داده، و روح اسلام اصیل را در جوانان می دمد. امید است که انشاءالله مورد رضای خدا، و حضرت ولیّ عصر ارواحنا فداه، و استفاده همگان و بویژه بانوان و دوشیزگان قرار گیرد، به امید اینکه گامی به سوی جامعه اسلامی برداشته، و به حقایق اسلامی، بیش از بیش آشنا شویم. --

---------------- ۱ ـ آن زمان دولت بزرگ اسلام از شمال نیمی از شوروی و اروپا و از جنوب تا میانه های آفریقا، و از مشرق تا اندونزی و مالزی و از مغرب تا مراکش و اسپانیا را شامل می شد.۲ ـ العقوبات فی الاسلام، سید صادق شیرازی: ص۲۴ .۳ ـ رزونامه کیهان صادره در ۲۶/۸/۱۳۶۰ شماره (۱۱۴۳۵).۴ ـ برای توضیح بیشتر به کتابهای (نظام حقوق زن در اسلام) نوشته استاد شهید مرتضی مطهّری و (المرأة المسلمة) نوشته فرید وجدی، مراجعه شود.۵ ـ الاسلام والایدیولوجیات المناوئة: ص۳۷ .۶ ـ روزنامه اطلاعات صادر در روز سه شنبه ۲۶/۸/۱۳۶۰ شماره ۱۶۵۷۸ ص۱.

نکاتی پیرامون حجاب

حجاب در قرآن : بسم الله الرحمن الرّحیم، و صلّی الله علی محمّد و آله الطیّبین الطّاهرین، و لعنةالله علی أعدائهم أجمعین. در قرآن کریم، آیه های متعدّدی پیرامون حجاب آمده، از جمله، آیه: (و اذا سألتموهنّ متاعاً فاسئلوهنّ من وراء حجاب)، اگر چیزی از زنان خواستید، از پشت پرده با آنان صحبت کنید، ـ بدون حجاب روبروی هم قرار نگیرید ـ و آیه: (ولیضربن بخمرهنّ علی جیوبهنّ) ، بایستی که زنان مسلمان، خمارهای خود را روی سینه هایشان بیندازند ـ خمار همان پوششی است که روی سر قرار گرفته، وگوش و سینه و گردن را می پوشاند ـ و همچنین آیه: (وقرن فی بیوتکنّ ولا ـ تبرّجن تبرّج الجاهلیّة الأولی)، ای زنان مسلمان: در خانه های خود قرار بگیرید، و هنگام بیرون آمدن، بی حجاب و بی عفّت، مانند زنان دوره جاهلیّت نباشید. علت وجوب حجاب : سؤال: چرا حجاب بر زنان واجب شده؟ پرسشی است که عدّه زیادی از برادران و خواهران می کنند، (چرا حجاب بر زنان واجب شده)؟، آیا این آزادی زن را محدود نمی کند؟ و اساسا عواملی که واداشت تا اسلام قانون حجاب را تشریع کند، چیست؟ پاسخ این سؤال درچند مطلب خلاصه می شود: اوّل: برای بقای دوستی زوجین: علم (روانشناسی) ثابت کرده که زن با حجاب محبّت شوهر و اهتمامش را بیش از دیگران جلب می کند، امّا چگونه؟ چون انسان بر دانستن آنچه منعش کرده اند کنجکاو می شود، و همیشه سعی دارد که زنجیر ممنوعیّت را پاره کرده، و از همه چیز آگاهی یابد و زن باحجاب به محبّت قلبی شوهر نزدیکتر است تا زن بیحجاب، و مردی که زنش بیحجاب است از موی سر انگشتان پا روزانه دهها بار می بیند، بدین وسیله زن آن صورت زیبا و دلربایش را برای مرد بطور کلّی از دست می دهد، بخلاف زن با حجاب که همیشه با پوشاندن بدنش، محبّت و اشتیاق شوهرش را نسبت به خود جلب می کند. و به همین علّت می بینم که معمولا ـ زن دهاتی به محبّت قلبی شوهر، از زن معمولی شهری نزدیکتر است. زن دهاتی و شوهرش را کمک می کند، برای زراعت صبحگاهان به مزرعه می رود و با یک دنیا تفاهم و عشق، با دستان لطیفش گندم را آرد کرده و نان می پزد، سپس کنار قنات به شستشوی لباس و غیره می پردازد، و بالأخرة تمام اعمال و مسئولیّتهائی را که به عهده دارد، با کمال عفّت و با حفظ حجاب انجام می دهد و هنگامی که تاریکی از راه می رسد سر حال و شاداب به گوشه کوخ یا خانه کاهگلیش باز می گردد آنگاه شوهر او که سفر خسته کننده روز را پشت سر نهاده، او را مانند یک ملکه زیبا و حوریّه با آغوش باز می پذیرد و به وی اظهار عشق و محبّت می کند، و با هم رازیهای دوست داشتنی و آرزوهای امیدبخش و نغمه های لطیف زندگی پیروز بر مشکلات و ناملایمات، هردو در آغوش سعادت و یکدلی به خواب ناز می روند. و لذا یکی از مکروهات دین مبین اسلام، این است که زوجین با حالت عریان به اطاق خواب بروند زیرا در این حالت، در بدن هیچ موضع هوس انگیز و دلپذیری پنهان نخواهد بود، تا غریزه و عشق طرف دیگر را برانگیخته، و به خود جلب کند. و به همین علّت می بینیم که پدران و نیاکان ما، در ایّام جوانی ازدواج می کردند بدون اینکه کلمه (طلاق) بر زبانشان جاری شود، سالهای طولانی و شیرینی را پشت سر می گذاشتند، زیرا در همسران خود که با حجاب کامل بودند جاذبیّت و زیبائی دل انگیزی یافته، و همیشه علاقمند به آنان بودند. دوّم: برای نگهداری زندگی زناشوئی: هنگامی که زن با عفّت و حجاب باشد زندگی زناشوئی دوام پیدا می کند، چون در این صورت شوهر جز همسر خود را نمی بیند، و لذا با مشاهده او قانع است، و زن هم غیر از شوهر خود را نمی بیند و به او قانع است. امّا هنگامی که زنان بی حجاب باشند و میان زن و مرد اختلاط باشد، طبیعی است که مرد زنهائی زیباتر از همسر خود و زن مردهائی زیباتر از همسر خود را مشاهده نموده و این مشاهده به گسستن روابط خانوادگی و سرانجامش طلاق و یا راههای انحرافی می باشد. و همین امر نسبت طلاق را در کشورهای غربی بالا برده و باصطلاح زن آزادی خود را در آنجا کسب کرده، و بی حجاب و نیمه عریان به خیابان رفته است، بعنوان مثال چنانچه پاره ای از مطبوعات نوشته اند: در آمریکا تنها هفت میلیون درخواست طلاق تسلیم دادگاهها شده، و یک گزارشی در نشریّه (پراودا) اتّحاد جماهیر شوروی حاکیست بطور نسبی در هر نه ازدواج در روسیه یکی به طلاق می انجامد! و حال چرا نسبت طلاق به این حدّ سرسام آور رسیده؟ به آسانی باید گفت: چون مثلاً مردی زنی زیباتر

از همسر خود را در سینما، دانشگاه، خیابان، و یا هرجای دیگر می بیند به منزل باز می گردد، و به دنبال بهانه هائی با همسر خود اختلاف کرده و سرانجام او را طلاق می دهد تا به معشوق خیالی خویش دسترسی پیدا کند! سوّم: حجاب از انحرافات جنسی جلوگیری می کند: در حال حاضر چه اندازه انحرافات و پیوندهای نامشروع جنسی در جامعه رخ می دهد؟ آیا بی حجابی و بی عفّتی در آن نقش اساسی ندارد؟ آیا زن بی حجاب و بی عفّت بند حیا را در مردها پاره نمی کند؟ و آیا مردهای شهوت پرست را برای اشباع نامشروع غرائزشان به دنبال خود جلب نمی کند؟ این صحیح نیست که جواهر فروشی، طلا و جواهراتش را کنار جادّه رها سازد تا دستخوش رندان و قلدران شود، و زن بی حجاب اینچنین است چه بسا ممکن است دستخوش (دزدان ناموس) قرار بگیرد! بد نیست در این زمینه بر واقعیّتهائی چند از جوامع غربی نظر بیفکنیم: یک قاضی آمریکائی به نام (لندسی) اظهار می دارد که: ۴۵٪ از دوشیزگان دبیرستانهای مختلف پیش از فارغ التحصیل شدن بی عفّت می شوند، و این نسبت در مرحله های آموزش عالی بالاتر هم می رود. چنانکه آمارهائی که از کیفهای دختران مدارس در انگلستان گرفته شده نشان می دهد که ۸۰٪ آنان قرص منع حاملگی به همراه خود دارند، و این گویای این واقعیّت است که آنها به خودی خود برای انجام اعمال منافی عفّت و فسادهای اخلاقی در همان لحظات نخستین آمادگی داشته، و حاضرند به اوّلین درخواست نامشروع پاسخ مثبت بدهند، و برای فرار از مشکلات سنگینی که بی عفّتی برایشان بوجود می آورد، این قرصها را با خود حمل می کنند. و بالأخره کشف حجاب در حوادث تجاوز بعنف، کشتن و جنایاتی از این قبیل نقش مهمّی را ایفا کرده و می کند. روزنامه انگلیسی (گاردین) اظهار می دارد: (گزارشهای پلیس آمریکا به بالا رفتن جنایات و تجاوز بعنف اشاره می کند، مثلا در واشنگتن به تنهائی بطور نسبی هر پانزده دقیقه یک تجاوز به عنف به وقوع می پیوندد، و در حقیقت مظاهر بی عفّتی که در آمریکا پخش می شود، اثر زیادی در ازدیاد تجاوزات نامشروع جنسی داشته و خیلی اوقات به علّت عدم آمادگی دختر و ممانعت از تسلیم خود، جنایت قتل رخ می دهد)!

چند داستان مختصر

در اینجا بایستی چند مثال واقعی پیرامون مسئله حجاب به منظور اکمال مقصود و بیان فوائد آن ذکر کنیم: ۱ ـ در تفاسیر آمده: جوانی از انصار(۱) با زنی خوش سیما و زیبا که حجاب کاملی نداشت و زیبائیهای خود را بروز داده بود روبرو شد، و در یک لحظه عشق وی در دلش جای گرفت، لذا چشم از آن زن برنداشت و با حالتی مست مانند، که شعورش را از دست داده بود او را دنبال کرد، هر راهی را که زن پیش می گرفت جوان هم به دنبالش گام برمی داشت تا آنکه زن وارد کوچه ای شد و او هم پشت سرش، در آن هنگام صورت جوان به شیشه ای برخورد و مجروح شد، ولی او که فاقد شعور خود بود متوجّه نشد، قطرات خون از زخم صورت به سینه اش می لغزید، ولی باز متوجّه خون نشد، مگر پس از اینکه زن وارد خانه خویش گردید، جوان با همان حالت خون آلود با سرعت به سوی پیغمبر اسلام (ص) شتافت، و با تقدیم شکایتی جریان خود و زن را برای پیغمبر حکایت کرد، در همان هنگام آیه شریفه نازل شد: (قل للمؤمنین یغضّوا من أبصارهم و یحفظوا فروجهم) یعنی: بگو به مؤمنین که هنگام دیدن زن نامحرمی چشمهای خود را بسته، و شهوتشان را کنترل نمایند. ۲ ـ نقل می کنند که روزی دختری حامله شد، خانواده اش فکر کردند که گاز معده و یا روده علّت بالا آمدن شکم دختر شان شده، لذا او را نزد پزشک بردند تا آزمایشش کند، پزشک پس از آزمایش اظهار داشت که دختر حامله است. خانواده دختر یکّه ای خورده و از وی پرسیدند: ـ چگونه حامله شدی؟! ـ فرشته خدا میکائیل مرا حامله کرد! ـ این دیگر چه حرفی است، مگر می شود فرشته، دختری را حامله کند؟ ـ بله، آیا این عجیب است مگر نشنیده اید که مریم دختر عمران را یک فرشته حامله کرد؟ خلاصه بعد از جستجو و تحقیق معلوم شد، صاحب مغازه ای که ساکن آن محلّه بود از دیدن دختر و زیبائیش خوشش آمده و پس از فریب دختر با وی همبستر گشته است، شاعر می گوید: (با نگاهی و سپس لبخند، بعد از آن سلامی و کلامی و سپس وعده دیدار و لقاء است)(۲). ۳ ـ در یکی از خانواده های محترم، زنی زیبا و خوش اخلاق زندگی می

کرد، او بـا شوهر و چهـار فرزنـدش ـ بـا وجودی که شوهرش چنـدین سال از او بزرگتر بود ـ در یک جوّ پر مهر و محبّت و با تفاهم کامـل روزگـار را سپری می کردنـد. نزدیـک خـانه ایشان کاسب خبیثی بود که همیشه به زیبائی آن زن (که بی حجاب بود) چشـم دوخته و در او طمع می کرد، کم کم با کلمات و نغمه های عاشـقانه ای او را فریب داد و بدو گفت: تو زنی زیبا و کم سن هستی و چگونه به زندگی با این مرد بزرگسال تن می دهی؟! و پیوسته در گوش او زمزمه می کرد، تا اینکه شوهر آن زن تحت فشار همسر فریب خورده اش، مجبور شـد طلاقش دهد تا با آن مرد جوان کاسب ازدواج کند، و به این ترتیب (بی حجابی) کانون گرم خانواده ای را منهدم، میان دو همسـر جدائی و بالأخره فرزندان آنها را ضایع ساخت. ۴ ـ در قوم بنی اسرائیل عابدی بود که از کثرت عبادت مستجاب الـدّعوه شد و برای هرکس که دعا می کرد، خداوند متعال اسـتجابت می نمود، یکی از روزها چهار برادر نزدش آمدند و خواهر خود را که لال و بسیار زیبا بود نزدش نهادنـد تا دعا کنـد که خداونـد زبان دختر را از بنـد لالی برهانـد. چون عابد از داخل صومعه خود درب را بسـته و مشـغول عبـادت بود چهـار برادر خواهر لالـ خود را در مقابل درب صومعه رها ساخته و رفتنـد تا عابد هنگام باز کردن درب او را ببیند. هنگام صبح، عابد در صومعه را باز کرد، و با آن دختر زیبای خوش سـیما روبرو شد، زیبائی بیش از حـدّ دختر چشـمان او را خیره کرد و پس از مبارزه ای سرسـخت میان شـهوت و عقل، متأسّـفانه در لحظه سـرنوشت اسـیر شـهوت خویش گردیـد، و طرحی را در نهـاد خود آمـاده ساخت. دست دختر را گرفت و با نوازش فریبکارانه ای او را داخل صومعه کرد، و همانجـا بـا دختر ـ والعیـاذ بـالله ـ زنـا کرد، پس از انجـام عمـل شـنیع زنا، به فکر رسوائی ناشـی از این کار افتاد، نفس امّاره اش او را وسوسه کرد تا دختر را بکشـد، و بالفعل دختر را کشت و به خاک سپرد! پس از چنـدی چهار برادر آمدند تا خواهر بهبود یافته خود را به خـانه بـاز گرداننـد، ولی پیـدایش نکردنـد، از عابـد پرسـیدند؟ او انکـار کرد و اظهـار داشت که چنـان دختری را ندیـده است، برادران ناچار به جسـتجوی خواهرشان پرداختند تا بالأخره به قسـمتی از زمین رسیدند که خاکش جدید و وضعی غیر طبیعی داشت، همانجـا زمین را حفر کردنـد و بـا جنازه خواهرشان مواجه شدنـد. آنان که در آن منطقه کسـی جز عابـد را سـراغ نداشـتند، عابـد را دسـتگیر نموده و به شـهر بردند، پس از بازجوئی عابد به جنایت زشت خود اقرار کرد و محکوم به اعدامش کردند و سـپس نزدیک چوبه دار هنگامی که طناب دار را بر گردنش انداختند، شیطان مقابلش مجسّم شد و به او گفت: من تو را به این روز انداختم و هم اکنون می توانم با یک شـرط نجاتت بدهم! ـ عابد ناآگاه با کمال اشتیاق پرسـید: با چه شـرطی؟ ـ اینکه برایم سـجده کنی. ـ منکه با این حالت نمی توانم سـجده کنم. ـ به اشاره دو چشـمت به نیّت سـجده در برابر من کافیست، و همینطور هم شـد، عابـد با بسـتن دو چشم به عنوان سـجود برای شیطان اشاره کرد و همان لحظه به دار آویخته شد در حالی که زناکار، قاتل و کافر به خدا بود، به سوی آتش جهنّم روانه گشت. این داسـتانها (خیلی انـدک از بسـیار است) دلایل آشـکار از عواقب وخیمی است که بی حجابی به بار می آورد حال آیاکسی هست که از آنها پند و عبرت گیرد؟ --

------------------------ ۱ ـ انصـار: کسـانی بودنـد که پس از هجرت پیغمبر اسـلام از مکّه به سوی مـدینه، او را در مدینه یاری کردند (مترجم). ۲ ـ نظرهٔ فابتسامهٔ فسلام فکلام فموعد فلقاء.

گوشه هائی از حقوق اسلامی زن

اسـلام بـا کمـال عـدالت حقوقی به زن و حقوقی به مرد داده است، از این رو حقوقی را اختصـاص به زنان داده، از قبیل: تعیین مهر، تخفیف در مجازات ارتـداد ـ که کشـته نمی شود ـ عـدم وجوب جهاد ابتدائی بر زن و اختصاص حدّ اکثر احترام فرزندان نسبت به مادر. شخصـی به محضر مبارک پیامبر اسلام (ص) شرفیاب شد، و پرسید: به پدر یا مادرم احترام کنم؟ پیغمبر فرمود: به مادرت، این سؤال سه بـار تکرار شـد و پیغمبر همین پاسـخ را می فرمود، تـا بـار چهـارم که پیغمبر اکرم (ص) فرمود: به پـدرت نیکی کن، و این نشانگر شخصیّت والای زن از دیدگاه مکتب مقدّس اسلام است. و دیگر از حقوق زن این است که نماز جمعه و نماز جماعت بر او

نیست یعنی نماز جمعه بر او واجب نشده، و نماز جماعت هم بر او مانند مردان تأکید نشده، و دیگر اینکه حق دارد مزد شیر دادن به فرزند را از شوهرش مطالبه کند، همچنین اسلام زن را در سنّی کمتر از سنّ مرد، عاقل، بالغ و دارای شخصیّت اجتماعی می شمارد، و دیگر حقوق زن این است که اگر جزء اقلیّتهای مذهبی در بلاد اسلام باشد مالیات جزیه را نمی دهد، بخلاف مردان. و اسلام حقوقی را هم اختصاص به مردان داده مثل: فتوی دادن، قضاوت، مقام، تعدّد زوجات، و مشورت کردن، گرچه گاهی با زنان هم می توان مشورت نمود، و انگیزه تمام اینها این است که خداوند متعال، زن را با عاطفه بیشتر و مرد را با نیروی فکری و اندیشه بیشتر آفریده، و امور خانه داری و شبیه آن را به عهده زن گذاشته است.

حقوق اختصاصی زن

گرچه در مسئله زناشوئی مرد و زن خودشان را در اختیار یکدیگر قرار می دهند، لکن جنبه عاطفی زن ایجاب می کند در مقابل اینکه خودش را در اختیار همسرش قرار می دهد مهریه ای به وی داده شود، و چون زن با عاطفه است اگر مرتد شود، کشته نخواهد شد، زیرا امکان دارد عاطفه بر او غالب شده و موجب ارتدادش گشته باشد، و به همین معنی روایتی از حضرت علی (ع) هم آمده است، و امّا جهاد چون کاری است خشونت بار و زن رقیق القلب و نازکدل می باشد، و وجوب جهاد دفاعی هم به علّت حالت فوق العاده و اضطراریست، و اینکه باید مورد احترام بیشتر فرزندان قرار گیرد، چون مادر در امور حاملگی، وضع حمل و شیردادن بیش از پدر زحمت کشیده و رنج برده است. و علّت اینکه نماز جمعه و جماعت بر زن نیست چون منافات با امور خانه داریش دارد، و اینکه حقّ مطالبه بهای شیرش را دارد از اینجهت است که در مقابل کارهای خارجی مرد، زن هم کارهای داخل منزل را انجام می دهد، و اینکه زودتر از مرد شخصیّت می یابد، چون از نظر طبیعی قابلیّت داشته، و زودتر از مرد به سنّ رشد و بلوغ می رسد، و اینکه جزیه نمی دهد، چون امور مالی مربوط به مردانست.

حقوق اختصاصی مرد

فتوی دادن، قضاوت و حکومت نیاز به قاطعیّت و خشونت دارد و خداوند زن را چنین نیافریده، و انگیزه اش هم اینست که زندگانی انسان از یک سو نیاز به عاطفه و از سوی دیگر نیاز به قاطعیّت و خشونت دارد، خداوند متعال زن را نسبت به موضوع اول و مرد را در موضوع دوّم تخصّیص داده است، و چنانکه در سابق مثال زدیم مثل دو ماشین باربری و مسافری است، و اگر از نظر آفرینش و احکام، زن و مرد مانند هم بودند نقص بزرگی در نظام آفرینش پدید می آمد، درست مثل اینکه تمام ماشینها برای باربری و یا مسافری باشد. و حجاب زن برای اینست که از چشمهای مردان بدور بوده، و اشتیاق و علاقه مرد نسبت به او باقی بماند که به گوشه هائی از آن اشاره شد. و امّا مسئله تعدد زوجات چون زنان همیشه بیش از مردان هستند، پس آیا بهتر اینست که قسمتی از ایشان مجرّد و بدون همسر بمانند، یا اینکه یک مرد بتواند با بیشتر از یکی ازدواج کند؟ و لذا چون مسیحیّت در غرب تعدّد زوجات را منع نموده و بی حجابی و اختلاط مرد و زن را مباح دانست، زن به شقاوت و بدبختی کشیده شد، و هر جوانی چند معشوقه برای خود انتخاب کرد که فقط از آنان بطور غیر شرعی لذّت ببرد، و حتّی خرجی آنها را هم نپردازد. حال اگر امر دایر شود بین برنامه اسلام و برنامه غرب، آیا برنامه اسلام به عقل، علم و تجربه نزدیکتر نخواهد بود؟

اسلام و حقوق زن

اسلام، زن را در عقاید، اخلاق، آداب، تکالیف واجب، و محرّمات غالباً مانند مرد شمرده، مگر در مواقع ویژه ای، آنهم به جهت یک فلسفه عقلی که در جای خود ذکر شده است، بنا بر این عبادات، نماز، روزه، خمس، زکات، حج، امر به معروف، نهی از منکر،

طهارت، اعتکاف، نذر، قسم، و عهد هم برای مرد و هم برای زن آمده و همچنین در معاملات از قبیل داد و ستد، رهن، اجاره، تجارت، مضاربه، مساقات، مزارعه، و ما أشبه، زن حقوقی مثل مرد دارد. و همینطور در حدود، دیات و قصاص، مگر آنکه در مواردی مرد و زن متساوی نیستند، مثلا اینکه دیه زن نصف دیه مرد است، چون نفقه ای بر زن نبوده و بر مرد واجب است، و لذا زن اعم از (مادر، دختر، و همسر) به مقدار نصف مرد حقّ دیه دارد. همچنین زن در ازدواج، طلاق و ارث غالباً حقوقی همسان با مرد دارد، مثلا در ازدواج همانطوری که رضایت مرد شرط است رضایت زن هم شرط می باشد، و در مورد طلاق هم می تواند هنگام (عقد) شرط کند که وکیل از طرف شوهرش، اجرای صیغه طلاق را کند ـ که تفصیل این مسئله را فقها در باب شرط ذکر کرده اند ـ و امّا در مورد ارث گاهی زن بیش از مرد، گاهی مساوی، و گاهی هم کمتر از او ـ در موارد مختلفی ـ ارث می برد (که تفصیل این مسئله هم در کتاب ارث در علم فقه بیان شده)، همچنین طلب علم بر هر مسلمان مرد و زن واجب شده، و زن صلاحیّت امامت جماعت زنان را دارد، چنانکه از پیامبر اسلام (ص) نقل شده که زنی را به نام (امّ ورقه) جهت امامت جماعت زنان تعیین نمودند. همچنین زن می تواند در جهاد دفاعی شرکت کند، و لذا بانویی به نام (نسیبه) در جنگ احد با کفّار جنگید و از پیامبر اسلام (ص) دفاع کرد، و در متون تاریخی آمده که زنان جهت اقامه نماز جماعت با پیغمبر اکرم (ص) به مسجد آن حضرت می آمده اند، چنانکه از داستان تحویل قبله و غیره چنین بر می آمد، و پیامبر بزرگ اسلام (ص) در سفر حج یا جهاد به جهت انجام بعضی تکالیف زنان را با خود می برد، و در کتاب حج نقل شده که پیامبر اسلام (ص) با امّ سلمه در مورد سرتراشیدن در حدیبیّه مشورت کرده و به نظر آن بانو عمل نموده است.

شخصیت زن در روایات

پیرامون شخصیّت زن روایات بسیاری نقل شده که ما تعدادی از آنها را به عنوان نمونه ذکر می کنیم: مرحوم کلینی از پیامبر اسلام (ص) نقل می کند که فرموده است: جز عطر و زن چیز دیگری از دنیایتان را دوست ندارم، و در کتاب مکارم الأخلاق از آن حضرت نقل شده که فرموده است: دوستی زنان از اخلاق پیامبران است، و در کتاب سفینةالبحار از رسول خدا (ص) چنین آمده: بهترین شما بهترینتان نسبت به زنان هستند، و در کتاب (الوافی) از امام صادق (ع) نقل شده که فرموده است: هرچند محبّت انسان نسبت به زنان افزوده شود، ایمان او افزایش می یابد، و مرحوم شیخ صدوق از حضرت امام صادق (ع) نقل می کند که فرمود: گمان نمی کنم کسی ایمانش زیاد گردد مگر آنکه دوستیش نسبت به زنان افزایش یابد. و در فرمایشات امیرالمؤمنین (ع) در نهج البلاغه چنین آمده: زنان را اذیّت نکنید گرچه به شما فحش داده، و فرمانروایان شما را دشنام دهند، که زنان از لحاظ نیروی نفس و عقل ضعیف هستند. به هر حال چند نکته ای را باید بیان کنیم: (یک) باید در حقوق مرد و زن کاملا مقیّد به احکام اسلام شده، و هرکدام را در جای خودش قرار داد، قرآن مجید می فرماید: (برای مردان بر زنان درجه ایست) و در آیه ای دیگر می فرماید: (زنان همانند حقوقی که مردان بر آنان دارند، خودشان هم حقوقی عادلانه دارند) و دراین باره باید به مراجع تقلید مراجعه کرد، زیرا احکام اسلام و روش و چگونگی برخورد پیامبر و ائمّه طاهرین علیهم السلام را با هردو صنف بهتر می دانند. (دو) در تصمیم گیری ها و اتّخاذ قرار برای یکی از طرفین بدون ملاحظه همه جانبه مسئله، آن هم به دلیل یک روایت ضعیف، یا عرف و عادت و تقالید اجتماعی نباید عجله به خرج داد، بلکه بعکس باید با مطالعه تمام اطراف و دقّت در روایات وارده، وارد عمل شویم. (سه) باید جهت مطابقت زمان با کلیّه شئون اسلامی در مورد بانوان از راه عمل، مطالعه و تربیت کوشیده تا زن به مقام مناسب و والای اسلامیش دست یابد، نه اینکه قربانی اختناق و فشار مفرط، و یا آزادی افراطی که شرق و غرب به وی داده بشود.

نگاهی به آزادیهای زن

آزادی زن، موضوعی است که بحث در باره آن بسیار شده. و غالب نویسندگان اسلامی معمولا حالت زن را قبل از اسلام و بعد از آن مورد مقایسه و بررسی قرار می دهند. البتّه این مقایسه خوب است، لکن سخن تا همینجا خاتمه نمی یابد، ما اکنون نیاز به مقایسه زن در جامعه اسلامی، و جامعه غربی داریم، و نمی خواهیم دراین باره هم خیلی دقیق و عمقی بحث کنیم، بلکه مقصود مان اینست که فرازهائی از آزادی زن را در هردو جامعه بیان نموده، تا ببینیم که آیا آرامش فکری و بدنی، تندرستی، فرهنگ، شهرت، اشباع غرائز، و بالأخره پاکیزگی جامعه ای که باید نصیب زنان بشود در پرتو اسلام، و یا در پرتو کفر تحقّق می یابد؟ زندگی زن در پرتو اسلام با حقوق و تکالیفی همانند مرد می باشد، زن در همه چیز شریک مرد است، جز در موارد اندکی که استثنا شده، آنهم به جهت نبودن مقتضی یا وجود موانعی. زن، در نماز، روزه، خمس، زکات، و حج همسان با مرد است، لیکن چون تکالیف خانه داری به عهده اوست، اضافه بر خشونت جهاد که با ضعف بدنی و دقّت و لطافت زن سازگار نیست، و کثرت عواطف رقیق او، لذا اسلام جز در صورت ضرورت، از زنان جهاد نمی خواهد. امّا در عبادات دیگر مانند امر به معروف، نهی از منکر، تولّی اولیای خدا و تبرّی از دشمنان خدا زن شریک مرد می باشد، و در معاملات ـ در تمام ابعاد ـ زنان حقوقی همانند مردان دارا هستند، آنان حقّ تجارت، رهن، ضمانت، ودیعه، مزارعه، مساقات، مضاربه، شرات، صلح، عاریه، اجاره، وکالت، وقف، هبه، وصیّت را دارند، و همچنین قانون حجر (ورشکستگی) نیز بر زنان هست. علاوه بر اینها زن از حقّ ازدواج، طلاق ـ اگر هنگام عقد شرط کند ـ نذر، سوگند، عهد، برده رها کردن، مکاتبه، اقرار، جعاله، صید، ذبح حیوانات، شفعه، احیای زمینهای موات، لقطه، شهادت، دیات، قصاص، و ارث برخوردار است. چنانکه در مصرف خوراک و آشامیدنی نیز هیچ فرقی با مردان ندارد. بله، پاره ای از مسائل گذشته نسبت به زنان ویژگیهائی دارد: مثلا در مسئله ارث زن سهمی کمتر از مرد دارد، چون نفقه او بر مرد بوده، و مخارج مسکن و لباس نیز بر مرد است ـ که تفصیل آن گذشت ـ و طلاق به دست زن نیست چون حقّ قیمومیّت برای مرد می باشد، به جهت اینکه اداره منزل ناگزیر باید موکول به یک نفر گردد، و شکّی نیست که صلابت و استقامت مرد بطور طبیعی بیش از زن است، و لذا ریاست خانه به دو سپرده شده، و در برابر این مسئولیّت حقّ طلاق نیز اختصاص به مرد یافته به دلیل هماهنگی حقوق و مسئولیّتها.

آزادی به شیوه غربی

زنان در پرتو اسلام با سعادت و رفاه زندگی می کردند، حقوق و مسئولیّتهائی داشتند، و خلاصه کمبودی در کار نبود، تا اینکه تمدّن غربی آمد، و زن را محروم از دو حق دید: (یک) آزادی ـ بی قید و شرط ـ که زن را در همه چیز از جمله در رفت و آمد به کاباره ها، سینماها، استخرها، و مدارس مختلط آزاد نمود، همچنین حقّ بی بند و باری، بی حجابی، حضور در مجالس فساد و آزادی در لذّتهای مبتذل را به زنان واگذاشت، و از طرفی هرگونه دعوت به وقار، حشمت، حیاء، عفّت، فضایل انسانی و اخلاق پسندیده را ارتجاعی و منافی با آزادی شناخت. (دو) حقّ دخالت در فعالیّتهای سیاسی، مثل ریاست جمهوری، وزارت، استانداری، شهرداری و غیره... به این دلیل که چرا زن از این مناصب محروم باشد، حال آنکه هیچ فرقی با مرد ندارد؟ آیا این محرومیّت رکود، و بازگشت به قرون جاهلی تاریک نیست، حال آنکه دوران معاصر دوران علم و پیشرفت است؟! ما می خواهیم این باصطلاح دو حق!! را انتقاد کنیم و فعلاـ نمی خواهیم بگوئیم که حق اول فساد و بدبختی است، نه حقّ و آزادی و اینکه حقّ دوّم دروغ و فریبکاری است چون موافق با طبیعت عاطفی زن نبوده، و خود امّتهائی که دعوت به سوی آن دارند آن را تحریم می کنند، و زن را قابل این مناصب نمی دانند و لذا آیزنهاور، خروشچف، مکمیلان، دگل، روزولت، چرچیل، استالین و دیگر رؤسا و سردمداران این امّتها هیچکدام زن نبودند. بلکه می خواهیم یک واقعیّت را بیان کنیم، که فعلاً زن در پرتو قوانین غربی به کجا رسیده؟ آنهم بعد از اینکه کمال احترام و آزادی شایسته را در پرتو قوانین اسلامی داشت، تا ببینیم که در اثر قوانین و مقرّرات کفر، چگونه زن و بدنبال او زندگی خانوادگی سقوط کرده و از هم پاشیده شد. و سپس این سؤال را از حامیان غرب می پرسیم: که آیا زن در پرتو قوانین

خود ساخته شما رفاهیّت بیشتر و سعادت و زندگی بهتری دارد، یا در پرتو اسلام؟ خوشبختانه عدّه ای از غربیان، منصفانه به مقام زن در اسلام شهادت می دهند. مثلا آقای (سیدیو) می گوید: (قرآن که قانون اساسی مسلمین است مقام زن را بجای اینکه پائین آورد، بالاـ برده است، و (محمّـد) سـهم دختر را در ارث معـادل نیمی از سـهم برادرش قرار داده، با وجودی که دختران قبل از اسـلام هیچ حقّی از ارث نداشته اند)(۱). و آقای (گوسـتاولوبون) می گوید: (اسلام مقام اجتماعی و شخصیّت زن را به جای پائین آوردن خیلی بالا برده، بخلاف ادّعای بسیاری که خلاف این شده، و قرآن بهتر از قوانین اروپائی ما حقوق ارث به زنان اختصاص داده، بنا بر این اینجـا می توانیم گفته مـان را تکرار کنیم که: اسـلامی که بسیار مقام زن را بالا برده از پائین آوردن شخصیّت او مبرّاست، و نه تنها اسـلام مقام زن را بالا برده، بلکه اضافه بر این اسـلام اوّلین دینی است که چنین کرده، به این دلیل که تمامی ادیان و امّتهائی که قبل از عربها آمده اند، نسبت به زن بدی کرده اند)(۲). --

---------------------- ۱ ـ برای تفصیل بیشتر به کتاب (الاسلام بین الانصاف والجحود) مراجعه شود. ۲ ـ مصدر سابق.

آمارها گزارش می دهد

و اینجـا منتخبی از کتـاب (حجـاب) نوشـته مودودی را نقـل می کنیم، تـا دلیلی بر این باشـد که زن در پرتو کفر و نظام به اصـطلاح دمکراسـی به چه بـدبختیهائی رسیده است، و ما فقط به نقل از آن کتاب اکتفا کرده، و مصادر موثقی را که آن کتاب نقل می کند نقـل می کنیم: (مردمی آمدنـد، و وسایـل اجبار زنان را فراهم ساخته و حرفه فحشا را رشـد دادنـد، تا جائی که امروزه فحشاء بعنوان یـک تجـارت بیـن المللی منظّـم تلقّی می شـود). (امروزه کشـوری نیست که در آن مسـئله کورتـاژ بطـور علنی صـورت نگیرد، مثلا انگلسـتان، حد اقل سالانه نود هزار نوزاد در آن کورتاژ می گردد، و اقلاً در حدود بیست و پنج درصد زنان شوهردار در این کشور یا خودشان نوزادانشان را به دست خود سـقط کرده، و یا اینکه در این عمل شـنیع از افراد متخصّص یاری می طلبند، و این نسبت در زنان بی شوهر افزایش می یابد، بطوری که در برخی شـهرها محلهای مناسب و منظّمی برای سقط جنین ترتیب یافته، و در شهر لندن تعداد بیمارسـتانهائی که اکثر بیماران آنها زنان سقط کرده هستند، رو به افزایش است). و در فرانسه (یکی از فرماندهان نظامی برای سربازان واحدش بخشنامه ای به این مضمون صادر نمود: به ما گزارش شده که واحدهای پیاده نظام و سواره نظام از ایجاد مزاحمت تفنگـداران در فاحشه خانه های نظامی شـکایت دارنـد، مکتب فرمانـدهی سـعی بر این دارد که تعـداد زنان را افزایش دهد، تا برای تمـام سـربازان کفایت کننـد، لیکن قبل از انجام این کار به تفنگـداران سـفارش می کنیم که داخل آن خانه ها زیاد مکث نکننـد، و هرچه می خواهند در قضای شـهواتشان تعجیل نمایند). (و در فرانسه کسـی که می خواهد به یکی از زنان برای خوشگذرانی متّصل شود، به (نمایندگی فحشاء) آدرس آن زن را همراه با (۳۵ فرانک) به عنوان شروع معامله می دهد، و آن نمایندگی زن مورد نظر را از مطلب آگـاه می سـازد، و دفـاتر این نماینـدگی دلالـت دارد که هیـچ طبقه ای از طبقـات جـامعه فرانسه نیست، مگر اینکه مردمان بسـیاری از آن، با این نماینـدگی وارد معامله شـده و از خدمات آن بهره مند شده اند). (الآن وجود روابط جنسـی میان خویشاوندان نسبی مثل: پدر و دختر و برادر و خواهر در برخی از شهرهای فرانسه، دیگر عجیب و نادر نیست). (تعداد زنان بدکاره پیش از جنگ بین الملل اوّل در فرانسه به نیم میلیون نفر می رسـید). (مسـیوفردیناند دریفوس) یکی از نمایندگان مجلس ملّی فرانسه صـریحاً اعلام داشت که: اکنون دیگر حرفه فاحشـگی عملی شخصی به حساب نمی آید، بلکه به صورت یک تجارت وحرفه ای منظّم در آمده، و نماینـدگان و دسـت انـدرکاران آن سودهـای کلانـی بـه دست می آورنـد، امروزه این کـار وکلاـنی دارد که مـواد اولیّه دختـران و دوشـیزگان را فراهم می سازد، و تعدادی هم در شـهرهای مختلف گردش می کنند، این حرفه، بازارهای منظّمی دارد، که دختران و نوجوانـان به صورت کالاهـای تجارتی در آنها وارد، و از آنها صادر می شونـد، و بیشترین تقاضاهای این بازارها برای دختران کمتر از ده سـال است. (و چه بسـا حیوانیّت و درنـدگی قـائمین به این کارهـا به بـدترین نوع از ظلم و قسـاوت برسـد، بطور مثـال یکی از

شهرداران شـهرهای شرقی فرانسه، برای نجات دختری که در یک روز پذیرای چهل و هفت مرد وارد بر او شده بود ناچار به دخالت شده، و در همان لحظه هنوز عدّه ای درب اطاق مخصوص این دختر، به نوبت نشسته بودند). (جنگ جهانی اوّل بدعتی جدید به نام (فاحشگی داوطلبانه) علاوه بر (فاحشگی تجارتی) به میان آورد که در اثر آن زنان به صورت منظّم به فحشاء کشیده می شدنـد، و تشویق و کمک به آنـان هم فضیلتی اخلاقی نزد بـدکاران به شـمار می آمـد، و روزنـامه های بزرگ اهمیّت بسیاری راجع به میل مردان نسبت به آنان می دادنـد.. به طوری که یک روزنامه در یک شـماره اش (۱۹۹) آگهی در این باره منتشر ساخت). آقای پل پیورو می گوید: (تمام زنانی که در جامعه ما ازدواج کرده اند خائن، و از وفای لازم در معاشرت زوجی مجرّد و عاری هستند). (در اثر این جرایم و جنایـات بیماریهای مخفی و مهلکی پدیـد آمـد، به طوری که دولت فرانسه در دو سال اوّل از سالهای جنگ جهانی اوّل تعداد هفتاد و پنج هزار نفر را به علّت ابتلای به بیماریهای سوزاک و سفلیس از خدمت وظیفه معاف کرد، و در یک روز تعداد ۲۴۲ سرباز در یک عشرتکده دچار این بیماریهای واگیردار شدند). (دکتر لیرید فرانسه ای می گوید که: در هر سال تعداد سی هزار انسـان در اثر سـفلیس و امراض مقـاربتی فوت می کننـد). و به همین انگیزه بود که مردان از ازدواج سـرباز زده، و در نتیجه مردان و زنان بطور مساوی شـروع به انجام کارهای منافی عفّت کرده، و نظام خانوادگی فاسـد و از هم پاشـیده شـد. (امروزه، معدّل مردان و زنانی که در فرانسه ازدواج رسـمی می کننـد به هفت الی هشت در هزار می رسد). و طلاق بطور مدهشـی افزایش یافته (بطوری که فقط دادگاه حقوقی شـهر (سـین) در یک روز ۲۹۴ صـیغه طلاق را اجرا نمود). و بالأخره: مشـکلات و فاجعه های بسیاری که دراثر دادن این (دو حق!!) به زنان بروز کرد از حدّ و شمارش خارج است.

نتایج این بی بند و باریها

حـال می پرسیم آیـا این دو حق!! به زن، یـا به مرد و یـا به جامعه خـدمت کرد؟! هرگز! زن را گرسـنه گـذاشت، که غالباً جز از راه فحشـاء نتوانـد لقمه نـانی بـدست آرد، و اضـافه بر این زحمت بکشـد، اهانت شود، زجر ببرد، و تمام شخصـیّت و حقوق مشـروعش پایمال شود. و مرد دیگر قلب با محبّت، همسـر مهربان، و بالأخره مادر لایقی برای تربیت فرزندانش نیافت. و جامعه نه تنها پسـران و دختران شایسـته را از دست داد، بلکه در سراسـر آن بیماریهای مهلک، بدنهای مریض و اخلاق فاسد انتشار یافت! و به همین ترتیب هر جامعه ای که به زن (این به اصـطلاح آزادی!!) را داد، گرفتار پیامدهایش شد، اعم از فرانسه، آمریکا، شوروی، انگلستان، سوئد، آلمان و جوامع دیگر که اسـناد و آمارهای بسـیاری برای انحطاط اخلاقی آنها شـهادت می دهد.. خوشبختانه جز کشورهای اسلامی از این مفاسد ایمن نماندند، امّا این ایمنی محدود بود به همان حدودی که مسـلمانان قوانین کفر را کنار زده، و برای این به اصطلاح آزادیها سر تسلیم فرود نیاوردند امّا برخی از کشورهای اسلامی متأسّفانه همان حالت بلاد کفر را در فساد، بیماریها و سقوط اخلاقی پیـدا کرده انـد. حـال ببینیم که آیـا زن در پرتو اسـلام شخصـیّت بیشتر، حـالت بهتر، آزادی شایسـته تری دارد، یـا در پناه کفری که امروزه تمام جهان را فرا گرفته است؟ و بایـد بگوئیم که زن و جامعه انسانی هیـچ راه نجاتی از این نابسامانیها ندارنـد جز با پیروی از تعالیم عالیه اسلامی.

چند تذکر مهم

بایـد به برادران و خواهران چنـد تـذکّر بدهم: ۱ ـ اسـلام از کسـب دانش و اشـتغال زن به کـاری که منـاسب شـرف و عفّتش باشـد جلوگیری نکرده بلکه از اختلاـط مرد و زن، و بی حجـابی، و حضور پسـران و دختران در محلّه هـای مشـکوک منع کرده است. ۲ ـ اسـلام به ازدواج زود رس برای جوانان توصیه می کند، و به همین علّت ازدواج دختر ده ساله که به سنّ رشد رسیده مستحب است، چنانکه اگر پسـر بالغ شد (غالبا سنّ بلوغ پسـران میان۱۳ سالگی و۱۶ سـالگی در نوسان است) ازدواج کردنش مسـتحب است، و از

مستحبّات مؤکّد قرار دادن مهر کم و آسان نمودن تشریفات عروسی است، و حضرت رسول اکرم (ص) فرموده اند: (خیر نساء امّتی اقلّهنّ مهرا) بهترین زنـان امّت من کم مهرترین آنهاست. ۳ـ مثال زن و مرد، مثال یک اتومبیل کوچکی است که برای حمل و نقل مسافرین، و یک کمپرسی بزرگی است که برای حمل و نقل سنگ و آهن آماده شده، و برای هرکدام کاری در نظر گرفته شده است، البتّه هیچ کدام نقصی ندارند، ولی اختلافشان برای مصلحت خود آنهاست همچنین زن که خداوند او را با عاطفه بیشتر آفریده تا کارهای عاطفی را انجام دهد، و به مرد نیروی عقل بیشتر داده تا بتواند عواطف خود را بیش از زن کنترل نماید، و نیاز جامعه به هردو است، پس مساوات میان این دو خلاف ترکیب آفرینش آنهاست و اگر جامعه کار مرد را به زن و کار زن را به مرد محوّل کند مانند آن است که اتومبیل کوچک را سنگ و آهن، و کمپرسی بزرگ را مسافر بار زند، و این کار هم برای اتومبیل و هم برای مسافرین کمپرسی طاقت فرسا و خلاف است. ۴ـ باید در هر شهری (یک صندوق خیری ازدواج) باشد، تا پسران و دوشیزگان را بر ازدواج کمک کرده، و مقدّمات برپائی کانون خانوادگی را بر ایشان فراهم سازند. ۵ـ بایستی آداب و رسوم غربی مانند: عدم ازدواج دانش آموزان پسر و دختر مگر پس از فارغ التحصیل شدن، و عدم ازدواج سرباز مگر پس از انقضای دوره سربازی ملغی شود، زیرا چنین رسومی موجب پدید آمدن خانه های فحشاء، و بروز عادتهای مخفی جنسی برای جوانان (که از نظر پزشکی بسیار مضر است) شده، و بالأخره برای فحشاء و انحرافات جنسی به جوانان فرصت می دهد وانگهی جوانی که ازدواج کرده خیلی بهتر از جوان مجرّد می تواند درس بخواند و یا خدمت کند چون اگر فکر انسان مشغول امور جنسی شد، او را از مطالعه و خدمت مرتّب باز می دارد. خداوند متعال می فرماید: (و أنکحوا الأیامی منکم والصّالحین من عبادکم و امائکم ان یکونوا فقراء یغنهم الله من فضله والله واسع علیم)، یعنی اینکه جوانان مجرّد و بردگان و کنیزان شایسته خود را تزویج کنید اگر مستمند هم باشند، خداوند از فضل و بخشش خود آنان را بی نیاز می سازد، و خدا بزرگ و داناست. و حضرت رسول اکرم (ص) می فرمایند: (النّکاح سنّتی فمن رغب عن سنّتی فلیس منّی) یعنی: نکاح و ازدواج سنّت من است، و کسی که از سنّت من روی گرداند از من نیست. و امام جعفر صادق (ع) می فرماید: (رکعتان یصلّیها المتزوّج أفضل من سبعین رکعة یصلّیها العزب) یعنی: دو رکعت نمازی که انسان دارای همسر بخواند، بهتر از هفتاد رکعت نمازی است که مجرّد بخواند.

خاتمه

در خاتمه، و پس از ذکر شواهد و آمارهای گذشته، ما قضاوت را به خود بانوان وا گذار میکنیم که واقعاً فکر کنند، و به شخصیّت خود پی ببرند، آخر چرا زن همچون کالای تجارتی معامله شود؟!، چرا برای اشباع هوس بیگانگان خود را بیاراید؟! چرا در کارهائی که از عهده او خارج است دخالت کند؟! خداوند متعال می فرماید: (بهترین شما نزد خدا پرهیزکارترین شماست) زنان در نظام آفرینش انسانهائی کامل و بدون هیچ عیب و نقصی هستند، و اینکه عاطفه آنان بیشتر، و بدنشان ظریفتر از مردانست شرط تکامل می باشد. بنا بر این نه مرد ناقص خلق شده و نه زن، امّا باید قبول کرد که هرکدام برای کاری ساخته شده است، زن اوّلین مدرسه و مهمترین پایگاه تربیت نسلهای بشری است، این کار مهم از عهده مرد خارج است، مرد با اندام خشن و نیروی بیشتری که دارد کارهای سخت و مشکل جامعه را به عهده می گیرد و این از عهده زن خارج است. و بطور کلّی جامعه همسان، بلکه طبیعت یکسان هیچگونه لطفی ندارد، عاری از زیبائیست، زیبائی در اثر تنوّع است، اگر تمام کره ?زمین آب بود، یا باغ بود، یا گلهای زیبا بود، یا کارخانه های عظیم بود و یا هرچیزی متّحدالشّکل بود، انسان به سرعت از آن خسته می شد. و همینطور در جامعه اگر مردان و زنان مساوی بودند، همگی در یک سطح از خشونت، عاطفه، ادراک، لطافت و غیره بودند، دیگر زن و مرد لذّتی از هم نمی برند، و نظام اجتماعی مختل می شد. امیدواریم که انشاءالله با تفکّر صحیح و درک مفاهیم و قوانین عادله اسلامی انسانها به عالیترین درجات کمال و رفاه و سعادت برسند.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَیْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیتهای گسترده مرکز : الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و... د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و... ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی

این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹